

## یک گل نصرانی

سیصد گل سرخ، یک گل نصرانی  
ما را ز سر بریده می ترسانی؟  
ما گرز سر بریده می ترسیدیم  
در محفل عاشقان نمی رقصیدیم

برخی این شعر را سروده میرزا آقاخان کرمانی دانسته‌اند که پس از شکنجه بی دریغ، او را پای درخت نسترن، سر بریدند. این شعر سال‌هاست یادآور خاطره جوانی از جوانمردان پیرو کیش مسیحیت است.

شعر به دلاوران شهید آذربایجان در جنگ جنبش مشروطه تقدیم شده است؛ اما تنها در سالگرد مشروطیت خوانده نمی‌شود. مگر می‌شود سال نو میلاد مسیح باشد، در آذربایجان باشی و یاد شهید جوان مسیحی نیفتی که از خاک تبریز به آسمان و جوار حضرت مسیح عروج کرد؟

هوارد کانگلین بسکزیویل؛ معلم آمریکایی مدرسه مموریال در تبریز بود که در جریان جنبش مشروطه و تلاش برای شکستن محاصره تبریز در این شهر شهید شد.

باسکرویل در پاییز ۱۹۰۷ برای تدریس تاریخ به تبریز آمد. در همان دوران، مردم تبریز به رهبری ستارخان و باقرخان برای اعاده مشروطیت به پا خاسته و به دنبال آن، نیروهای طرفدار شاه، اقدام به محاصره تبریز کردند. پس از ۱۱ ماه محاصره و بر اثر کمبود دارو و غذا، دسته‌ای در تبریز به نام فوج نجات به رهبری باسکرویل، برای شکستن محاصره تشکیل شد. باسکرویل، به قول خودش: به جای نقالی تاریخ‌مردگان، تصمیم گرفت مشق نظامی به جوانان بیاموزد. در همین ایام، مرگ سیدحسن شریف‌زاده (دوست و یار نزدیک باسکرویل) چنان او را متقلب کرد که در جواب همسر کنسول آمریکا در تبریز که از او خواسته بود از صف مشروطه‌خواهان جدا شود، ضمن پس دادن پاسپورتش گفت: «تنها فرق من با این مردم، زادگاهم است و این فرق بزرگی نیست».

در جریان نبردی که در شام غازان تبریز بین گروه فوج نجات به رهبری باسکرویل و محاصره‌کنندگان به وقوع پیوست، باسکرویل بر اثر گلوله‌ای که به سینه‌اش اصابت کرد، شهید شد.

«شفق» این مراسم را چنین شرح داده است: «در کلیسای آمریکایی در اثر ازدحام مردم جا نبود و در مسیر جنازه جمعیت غریبی بود. جنازه میان صفوف مجاهدین و در پیشاپیش شاگردان و سربازان او رو به گورستان ارامنه تبریز حرکت داده شد. اولیای مدرسه مموریال و شخصیت‌های آمریکایی نیز در صف مشایعین بودند.

بسیاری از اعضای انجمن آذربایجان در آن شرکت کردند و حتی در کلیسای آمریکایی حضور یافتند. سراسر راه را از شهر تا گورستان مجاهدین این سو و آن سوره کشیده با تفتنگ‌های وارونه به نشانه احترام ایستادند. شاگردان باسکرویل و دسته فدائیان او، ارمنیان، گرجیان، آمریکاییان و همه آزادی‌خواهان از بزرگ و کوچک با دسته‌های گل، پیرامون جنازه را گرفته بودند. چندی بعد، ستارخان تفتنگ باسکرویل را که نام و تاریخ کشته شدنش روی آن حک شده و در پرچم ایران پیچیده شده بود، به انضمام عکسی از افراد فوج نجات، برای خانواده‌اش فرستاد.

بدین ترتیب پیکروی را در روز سه‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۲۸۸ خورشیدی برابر با ۲۰ آوریل ۱۹۰۹ میلادی در مراسمی که سه ساعت طول کشید، در گورستان آمریکاییان در تبریز به خاک سپردند.

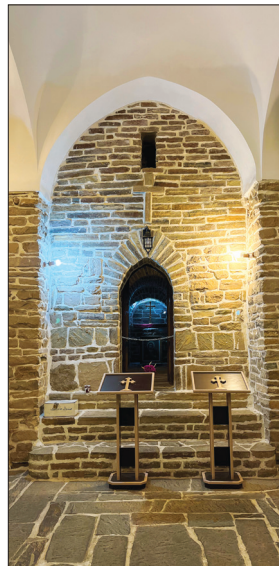
پنج روز پس از تشییع جنازه باسکرویل، ستارخان تلگرافی برای پدر و مادرش در شهر اسپایسر در ایالت می‌نسوتا، به شرح زیر ارسال کرد: «ایران در غم از دست رفتن پسر عزیزتان در راه آزادی سوگووار است و ما قسم می‌خوریم که ایران آینده‌همواره از او، چون لافایت، در تاریخ به بزرگی یاد خواهد کرد و به مزار شریف او احترام خواهد گذاشت...».



فضای داخلی کلیسا، برای ایام کریسمس تزئین شده است



بازماندهای از تزیینات تاریخی کلیسا



### ● معماری استادانه با سنگ‌های نامنظم

در این بنای تاریخی، دالان‌های تودرتویی وجود دارند که با مصالحی همچون سنگ و ملات ساخته شده‌اند.

سقف دالان‌های این کلیسا کوتاه است. همانند در ورودی آن که برخی از بازدیدکنندگان را مجبور می‌کند هنگام ورود سر خود را خم کنند. این مکان مذهبی دارای محرابی است بسیار ساده و در عین حال بسیار معنوی و نفسگیر.

پشت محراب عکسی از حضرت مسیح (ع) قرار دارد که به نظر می‌رسد جایگاه حضور کشیش در زمان برگزاری مراسم مذهبی باشد. محراب این کلیسا اتاقی کوچک و گنبدی شکل است که سازندگان، آن را تودرتو بنا کرده‌اند.

تنها کشیش‌ها اجازه دارند وارد این اتاق شوند. در سمت راست محراب نیز راهرویی وجود دارد که زائران پس از پیمودن آن به محلی که غسل تعمید در آن انجام می‌شود و نیز محلی که شمع‌ها را روشن می‌کنند، می‌رسند. معماری پشت‌بام کلیسا نیز دستخوش تغییراتی بوده که طی قرن‌های مختلف در ساختمان انجام شده است.

این بخش از کلیسا امروزه به صورت شیروانی پوشیده شده است. تمام دیوارها و سقف کلیسای ننه‌مریم را با استفاده از سنگ‌های نامنظم و به روشی کاملاً استادانه و بسیار محکم ساخته‌اند.

### ● اجاقی برای طبخ نان مقدس

وقتی وارد کلیسای ننه‌مریم می‌شوید، صحنی تقریباً وسیع و بزرگ پیش رویتان ظاهر می‌شود. حیاط کلیسا از طریق دو در ورودی به خیابان قدس و کوچه ضلع غربی می‌رسد.

وجود قالی‌های دستباف در داخل کلیسا، از دیگر جاذبه‌های این اثر تاریخی است. همچنین گردشگران هنگام حضور در این کلیسا هیچ‌صندلی، نیمکت یا جایگاه اعترافی نمی‌بینند؛ بلکه تنها یک نیمکت کوچک در انتهای سالن قرار دارد که سالمندان در صورت نیاز روی آن می‌نشینند.

جالب است بدانید در قرون گذشته، زرتشتیان اموات خود را در آن دفن می‌کردند. در دو قسمت چپ و راست دالان ورودی کلیسا، دودهلیز با سنگ قبرهایی که روی آن‌ها متنی حک شده، مشاهده می‌شود که به‌نظر می‌رسد در گذشته محل دفن روحانیون مسیحی بوده است. سنگ قبری که اکنون در این محل وجود دارد، مدفن سه نفر از رهبران کلیسا و نیز مبلغان کلیسای ارتدوکس روسیه است. سازندگان این بنا، در بخش راست محراب، دالانی تنگ و کوتاه را ایجاد کرده‌اند که در دیوار سمت راست آن، یک اجاق دیواری قرار گرفته؛ اجاقی که از آن در طبخ نان مقدس استفاده می‌شده است. درست در مجاورت این اجاق دیواری، یک حوضچه سنگی نیز در داخل دیوار تعبیه شده که در آن کودکان را غسل تعمید می‌داده‌اند.

**در معماری این کلیسای مقدس، سبک معماری عمارات دوران ساسانیان به کار رفته و می‌توان قرینه‌سازی‌های زیبایی را که در بناهای آتشکده‌های ساسانیان استفاده شده در این کلیسا هم مشاهده کرد**